

روایات گروه سوم

گروه سوم، روایاتی است که امر به سکوت، سکون و عدم عجله، در عصر غیبت می نماید و بالطبع ممکن است از آنها عدم مشروعیت هر گونه اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت - به ویژه با قیام مسلحانه - برداشت شود. توجه کنید:

۱. عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن بكر بن محمد، عن سدير قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): يا سدير إن لم يزلوا يتركونك، وكن حلساً من أحلاسهم، واسكن ما سكن الليل والنهار، فإذا بلغك أن السفيناني قد خرج فارحل إلينا ولو على رجلك. روایت معتبره است.

۲. عنه، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن علي، عن حفص بن عاصم، عن سيف التمار، عن أبي المرهف، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الغيرة على من أثارها، هلك المحاصير [المحاصير]، قلت: جعلت فداك وما المحاصير؟ قال: المستعجلون، أما إنهم لن يردوا الأمر يعرض لهم - إلى أن قال: - يا أبا المرهف أترى قوماً حبسوا أنفسهم على الله لا يجعل لهم فرجاً؟ بلى والله ليجعلن الله لهم فرجاً^۱

سند روایت به دلیل اشتغال بر محمد بن علی ابو سمینه و ابومرهف (مجهول) ضعیف است ضمناً در نقل جناب شیخ حر «المحاصير» ذکر شده است؛ لکن در نقل روضه کافی^۲ که منبع جناب شیخ حر است «المحاصير» - جمع مخضار یا محضیر - ذکر شده است که با معنای آن نیز تناسب دارد.

۳. «عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبدالرحمن بن أبي هاشم، عن الفضل الكاتب قال: كنت عند أبي عبدالله (عليه السلام) فأتاه كتاب أبي مسلم، فقال: ليس لكتابك جواب أخرج عنا - إلى أن قال: - إن الله لا يعجل لعجلة العباد، ولإزالة جبل عن موضعه أهون من إزالة ملك لم ينقض أجله - إلى أن قال: - قلت: فما العلامة فيما بيننا وبينك جعلت فداك؟ قال: لا تبرح الأرض يا فضل حتى يخرج السفيناني فإذا خرج السفيناني فأجيبوا إلينا - يقولها ثلاثاً - وهو من المحتوم»^۳.
سند روایت به دلیل اشتغال بر فضل بن سلیمان کاتب ضعیف است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، ص ۵۱، ح ۳.

۲. همان، ص ۵۱ و ۵۲، ح ۴.

۳. ص ۲۷۳، شماره ۴۱۱.

۴. الوسائل (به وصف سابق)، ص ۵۲، حدیث ۵.

۴-۶. در ارتباط با مفاد روایات مورد اشاره سه روایت دیگر توسط شیخ حر در باب سیزدهم از ابواب جهاد العدو نیز نقل شده است که همگی مبتلا به ضعف سند است. به جهت اختصار در بحث، از ذکر و بررسی اسناد خودداری و متن آنها را مورد نظر قرار می دهیم، بدین قرار:

عن الصادق علیه السلام قال: «ما كان عبد ليحبس نفسه على الله الا ادخله الله الجنة»؛ عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال في خطبة له «إلزموا الأرض، واصبروا على البلاء. ولا تحركوا بأيديكم وسيوفكم في هوى السننكم، ولا تستعجلوا بما لم يعجله الله لكم. فإنه من مات منكم على فراشه وهو على معرفة حق ربه وحق رسوله وأهل بيته مات شهيداً، ووقع أجره على الله، واستوجب ثواب ما نوى من صالح عمله، وقامت النية مقام إصلاته لسيفه؛ فان لكل شيء مدةً وأجلاً»، عن ابى جعفر عليه السلام قال: إلزم الأرض ولا تحرك يداً ولا رجلاً حتى ترى علامات أذكرها لك ، وما أراك تدركها : اختلاف بنى فلان ، و مناد ينادى من السماء ، ويجيئكم الصوت من ناحية دمشق»^۲.

در راستای مفاد روایات فوق احادیث دیگری نیز بیان گردیده است^۳ از نظر سند تنها روایت اول، قابل دفاع رجالی است، لکن برای متامل در این روایات شکی باقی نمی ماند (یا لا اقل اطمینان پیدا می کند) که در ارتباط با مفاد فوق فرمایشی از امام معصوم علیه السلام صادر شده است از این رو به نظر ما مناقشه سندی و مقاومت بر سلب این روایات فنی و منصفانه نمی نماید و اگر ملاحظه ای باشد باید بر ادعای دلالت این روایات بر عدم مشروعیت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، وارد کرد؛ کاری که به نظر ما چندان سخت نیست با این توضیح:

۱. نهی سدید از هر گونه اقدام ایجابی و امر به وی مبنی بر ملازم خانه شدن، با توجه به شناختی که از وی در اختیار داریم^۴ به هیچ وجه دال بر دستوری عام برای همگان نیست.
۲. در خود این روایات و هم ردیفان آنها در همان باب و غیر آن شواهدی وجود دارد که نظر ائمه علیهم السلام به جریان مهدویت و ادعاهایی که در این باره بوده است، می باشد.
۳. روایت چهار و پنج با بحث ما مرتبط نمی نماید.
۴. توضیحات بیشتری در ادامه می آید.

۱. همان، ص ۵۵ و ۵۶، حدیث ۱۵.

۲. همان، ص ۵۶، حدیث ۱۶

۳. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۱۲، ص ۳۵-۳۹.

۴. ر.ک: الوسائل (به وصف سابق)، ص ۵۲ و ۵۳، حدیث ۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۸؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲؛ و...